

چند مسئله مربوط به تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت دارای مسائل زیاد است و در میان این مسائل بخصوص باید از برنامه - روش تدریس - در نظر گرفتن استعداد های ذاتی اطفال نام برد .

۱- برنامه . عبارت از مجموعه موادی است که در کلاس تدریس میشود این قسمت بقدری دارای اهمیت است که پیوسته طرف توجه اولیاء امور و زمامداران ممالک متمدنی است، در مواقع بحرانی چه از نظر اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی و غیره طبقه حاکمه برای بر طرف نمودن آن فوراً متوجه برنامه مدارس میگرددند. زیرا عقیده بر اینست که تنها با تغییر برنامه تدریس ممکن است يك تحول روحی ایجاد نمود که در نتیجه آن مشکلات و موانع مرتفع گردند. پرواضح است که موادیکه در مدارس بنویسندگان تدریس میشود تأثیر شایانی در آنها نموده و در بسط و توسعه قوای فکری و ذوقی آنها نقش بسیار بزرگی را ایفاء مینماید.

اندیشه ای که برنامه در تحت نفوذ آن تنظیم شده است و همچنین قصد رسیدن بیک ایده آل هدف غائی آنرا بر ما واضح و روشن میسازد. در این قسمت مسائل مهمی در پیش است مانند تعیین ارزش مطلق آن ایده آل و با ارزش نسبی آن نسبت بزمان و مکان مشخصات نژادی . مثلاً ممکن است از خود سؤال نمود که آیا بیشتر باید در تقویت حافظه کودک کوشید و یا آنکه بیسط و توسعه قوای فکری و هوش و ذکاوت او پرداخت و یا اینکه بهتر است در تقویت اراده و قوای بدنی او جدوجهد نمود . ممکن است مطالب فوق را چنین بیان نمود . آیا type ideal باید افراد معنوی و متفکر شهر نشین باشد که با اجرا نمودن برنامه معمولی یعنی برنامه ادبی صرف و نحو و منطق و غیره قوای فکری افراد را پرورش داده يك عده کارمند تحویل جامعه بدیم و یا اینکه تربیت افراد طوری باید باشد که در نتیجه

يك عده مردان عمل مانند تاجر، زارع، کارگر و غیره که انکاه آنها فقط به قوه و قدرت ابتکار خودشان بوده و احتیاجی بکمک دیگران ندارند بوجودیابند.

مسائل دیگری که مربوط به ideal تربیت است: آیا باید بیشتر در توسعه عادات اجتماعی دقت شود و یا اینکه برعکس باید در استحکام قوانین که سبب استقلال فرد میگردد مانند قوای انتقادی کودک و قضاوت شخصی و شخصیت او مساعی لازم را بکار برد؛ برای اینکه این مسائل مهم نامبرده در فوق بصورت فورمول خشکی در نیاید لازم است قبلا دو شرط ذیل صورت حقیقت بخود بگیرد:

- ۱- باید ارزش نسبی این نظریه های تعلیم و تربیتی را با در نظر گرفتن محیط - زمان - نژاد - احتیاجات و آرزوهای جامعه ای که میخواهند تربیت نمایند معلوم نمود. چه ممکن است برنامه ای برای يك قوم و ملتی مفید باشد در صورتیکه همان برنامه برای ملت دیگر ضرر داشته باشد و نتیجه عکس از آن گرفته شود.
- ۲- باید در نظر داشت که چگونه ممکن است تربیتی را برای حصول به ideal منظور در نظر گرفت. این کار بسیار مشکل است و با لفاظی و تعیین طرق اخلاقی و یا اصول و غیره ممکن نیست بلکه باید طوری باشد که فکر تربیت بخودی خود روش تربیت را تعیین نماید و آنرا تحت الشعاع خود قرار دهد.
- ۳- روش تربیت - کلمه روش در اینجا بمعنی وسیع آن در نظر گرفته میشود و مسائلی چند مانند انتخاب معلم - چگونگی تربیت معلم - تنظیم ساعات درس - تقسیم بندی درس بر حسب سهولت و اشکال آنها - ساعات تفریح - روزهای تعطیل و مخصوصاً مدت تعطیلات تابستان باید در نظر گرفته شوند چه طول مدت ممکن است سبب از بین رفتن عادت بکار شود. در تنظیم ساعات باید در نظر گرفت که آیا بهتر است درس فکری مانند ریاضیات و فلسفه در ساعات اول روز یعنی موقعیکه ذهن در نتیجه استراحت حاضر بقبول هر گونه مطالب و افکار abstract مجرد میباشد قرار داد و یا در ساعات آخر وقت؛ از طرف دیگر در تناوب کارهای فکری و بدنی باید دقت کامل بعمل آورد. امروز با وسائلی که در دست است بخوبی ممکن

است درجه خستگی انفرادی یا اجتماعی را با دقت تعیین نمود. ولی تمام این وسائل از نظر اهمیت در درجه دوم قرار گرفته اند. موضوع مهم طرز تدریس اطفال می باشد، ممکن است برای تشریح موضوعی یکی از حواس (باصره - سامعه - لامسه) را متأثر ساخت و ممکن است تدریس فقط بوسیله بیان باشد. البته بعضی از روش ها قابل استفاده و عده دیگر بیفایده میباشند.

انتقادی که ممکن است از روش تدریس بمدارس فعلی ماحتی دانشگاه نمود مبالغه در روش لفظی است چه باین طریق فقط قوه تکلم و خطابه پرورش مییابد لذا در اینگونه کلاسها جز تمرین زبان چیز دیگری یاد داده نمیشود. هدف و منظور این روش بیاد سپردن مواد است که شفاهاً توضیح داده شده و در موقع امتحان دانشجو باید آنها را طوطی وار تکرار نماید. بکار بردن این روش خالی از خطر نیست زیرا منظور از تعلیم و تربیت تعلیم طرق فکر کردن و عمل کردن است و باید کوشید که این قسمت بقدری تقویت گردد که بشکل عادت در فرد خود نمائی کند. ارزش تعلیم و تربیت را باید از روی تأثیر آن در افراد معلوم نمود یعنی باید تعیین کرد که تعلیم و تربیت تا چه اندازه در سازش فرد با محیطی که باید در آن زیست نماید موفقیت حاصل کرده است. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دیگر از معایب این روش خود passif بار آوردن طفل است در صورتیکه تعلیم و تربیت باید بمنزله محرکی باشد تا کودک در مقابل از خود واکنش هایی نشان دهد و این عکس العمل ها نشانه تغییرات و تحولاتیسی که در او پیدا شده و خود دلیلی بر تکامل او از نظر قوای فکری و اکتشاف خصائل عالی است. مخصوصاً باید باین نکته توجه نمود که مقدار ساعاتیکه کودک در کلاس بوده با کمیت و کیفیت معلوماتیکه در این مدت فرا گرفته است متناسب باشد.

۳- استعداد های ذاتی کودک - این قسمت را باید مورد توجه مخصوصی

قرار داد، چه اگر بخواهیم تعلیم و تربیت را تشریح کنیم باید آنرا بسه قسمت تقسیم نمایم:

۱- چه چیزی تدریس میشود (برنامه) ؟ ۲- چگونه تدریس میشود (روش) ؟

۳- بکه تدریس میشود (کودک)؛ بنابراین باید تعلیم و تربیت را از نظر رابطه‌ای که با کودک دارد تحت بررسی قرار داد، مخصوصاً در اطفالیکه سن آنها بین شش سالگی و ۱۴ سالگی میباشد.

لازم است قبل از هر گونه اقدامی قوای روحی و بدنی را تحت بررسی دقیق قرار داده و با وسایل مختلفه و بکار بردن tests هر يك از استعداد های ذاتی آنها را کاملاً معین نمود. متأسفانه باید اذعان کرد که باین قسمت تا بحال در مدارس ما هیچگونه توجهی نشده است و علت عدم پیشرفت و موفقیت در امور آموزشی همین عدم توجه با استعداد کودک کان میباشد. هیچ جای تعجب نیست اگر بگوئیم عده زیادی از مریبان تا بحال باین کیفیت روحی پی نبرده اند، چه بسا اشخاص که کودک را مردکی تصور مینمایند یعنی کودک را دارای همان افکار و عقاید و احساسات و عواطف اشخاص بالغ منتها متناسب با چته خودشان، میدانند غافل از اینکه اینها دارای عوالمی مربوط بخود هستند و هیچ مناسبتی بین افکار و احساسات آنها با مردان بالغ موجود نیست.

از طرف دیگر عادت بر این است که يك کودک را مدل در نظر گرفته و سایر اطفال را باختلافی کم یا زیاد مانند آن میدانند ولی اگر کمی دقت نمائیم خواهیم دید که اطفال نه تنها از نظر شخصیت و صفات بایکدیگر متفاوتند بلکه طرز فکر کردن و احساس و استعداد های ذاتی آنها نیز بایکدیگر متفاوت و متغایرند. البته نباید از آموزگاری که دارای ۶۰ تا ۷۰ شاگرد است توقع داشت که بروحیات آنها پی برد، چه در موقع تدریس تمام توجه آموزگار متوجه ارزش مطلق مواد تدریس است و هیچ توجهی به کیفیت ادراك آنان و مشخصاتشان نداشته و ندارد و گمان نمیرود که بظرفیت آنان و نمایلاتشان هم اهمیتی بگذارد. برای اینکه معلوم شود تا چه اندازه مریبان در باره روحیات اطفال بی علاقهگی از خود نشان میدهند بدگر مثال زیر مبادرت میورزیم.

در هر کلاس عده‌ای از دانشجویان کودن ترین محصلین کلاس محسوب

میشوند و چه بسا چندین سال در يك كلاس باقی میمانند ولی تا بحال کسی پیدا نشده است که تحقیق نماید آیا علت عقب ماندگی اینها در نتیجه نقص هوش و ذهنی آنها میباشد یا اینکه مربوط بطرز تدریس معلم است و یا اینکه علل دیگری دارد؛ این قسمت از نظر اجتماع دارای اهمیت شایانی است و باید کوشید که از عده اینگونه اطفال دائما کاسته شود و این نیز ممکن نیست مگر با بررسی های قبلی و تعیین علت عقب افتادگی در تعلیم و تربیت. استعداد فکری و ذوق و رغبت کودکان دارای اهمیت بسزائی است، تربیت را نباید از نظر مطلق در باره آنها بموقع اجراء گذاشت بلکه تعلیم و تربیت باید مطابق ذوق و رغبت فکری آنها باشد و تا ممکن است حس کنجکاوی آنها را باید تحریک نمود تا خود اطفال برای پی بردن بموضوعی فعالیت نموده و بدرك و فهم موضوع یادر حقیقت اختراع در باره آن نائل آیند. بنابر این لازم میآید قبل از شروع هر گونه تعلیم و تربیتی ب بررسی دقیق روحیات اطفال پرداخت و استعدادهای گوناگون آنها را يك بيك معلوم نمود و تربیت را بر اساس استعدادهای ذاتی آنها استوار ساخت تا در آتیه عضو مفیدی برای خود و جامعه گردند.

تئورینی و تشدید

تئورین از مختصات زبان عربی است که بعد از اسلام وارد زبان پارسی شده و استعمال آن جز در مورد کلمات عربی آنها در جائیکه سیاق جمله عربی باشد ممنوع است.

ولی با نهایت تأسف اشخاصی دیده میشوند که حتی در کلمات پارسی هم تئورین استعمال میکنند؛ زبانا و جانان.
و باید از این عمل اجتناب نمایند.

تشدید نیز از زبان عربی بیارسی سرایت کرده و اساتید سخن آنها در کلمات مخصوصی بکار برده اند فردوسی فرماید:

ز هر ای درندگان چنک دیو شده است بر چنک کیهان خدیو ط